

شعر

جشن تولد

با چشم خود دید، یک غنچه ناز
یک پله‌ی کرم، آهسته شد باز
از آن درآمد، پروانه کم‌کم
نزدیک او بود، یک قطره شبنم
در شبنم او دید، شکل خودش را
پروانه‌ای بود، خوش‌رنگ و زیبا
تا دید خود را، پروانه هول شد!
آن لحظه غنچه، خندید و گل شد!

شاعر: عفت زینلی



سلام

من خدا را دیدم امروز، توی بارانی که بارید
روی گلبرگ گلی که، شادمانی کرد و خندید
من خدا را بو کشیدم، توی عطر پاک یک گل
من شنیدم نام او را، در صدای شاد بلبل
سلام دوستان خوب و باهوش و زرنگم،
امیدوارم حالتون خوب، تنتون سالم،
دلتون شاد و لبتون خندون باشه
و تابستان رنگارنگ و خاطره‌انگیزی پر از بازی،
ورزش، دورهمی، تماشای کارتون، نقاشی،
کار دستی و خلاصه «حال خوب» رو پشت
سر بگذارید.

قصه

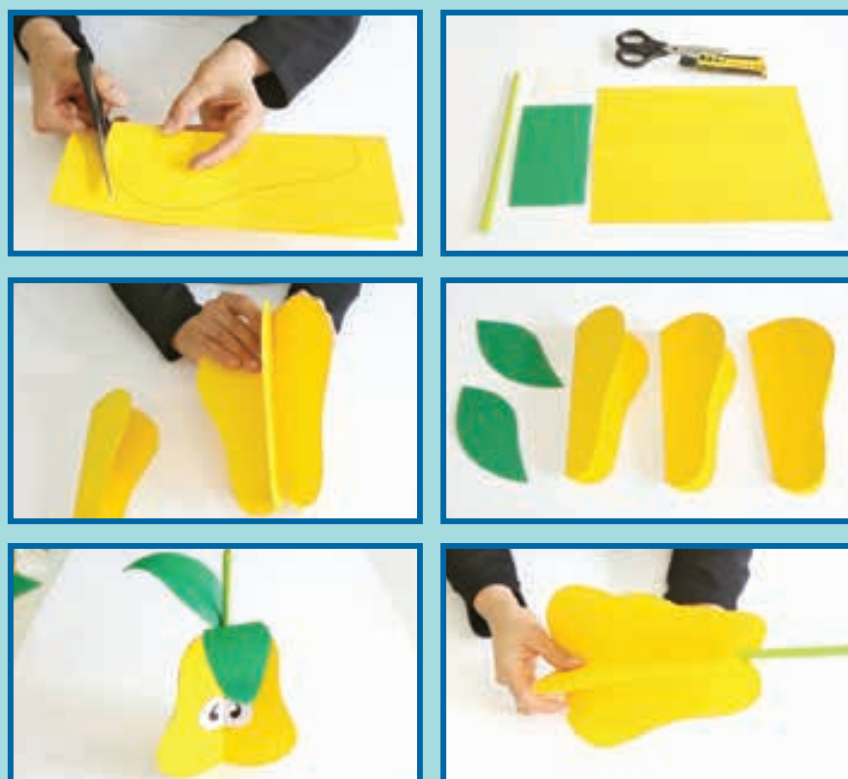
یک تجربه جدید!

یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، یه دختر کوچولو بود به اسم سارا. سارای قصه ما، عاشق نقاشی بود. یه دفترِ بزرگِ نقاشی داشت مالِ خودِ خودش و هر چیزی که دلش می‌خواست توی اون دفتر، نقاشی می‌کرد. گر به‌های شیطونی که دنبال موش می‌دویدند، موش‌های گرسنه‌ای که تیکه‌های گردو و پنیرشون رو قايم می‌کردند، عنکبوت‌های خوش‌اخلاقی که با حوصله تار می‌تنیدند. سارا هر چیزی رو هم که دور و برش می‌دید نقاشی می‌کرد؛ مثل سفره غذای مهمونی دیروز، پیراهن تازه‌ای که مادر بزرگش براش سوغاتی آورده بود، گلدان گل پشت پنجره یا قیافه بامزه دوستش. سارا چون بیشتر وقت‌ها با نقاشی سرگرم بود، دیگه حوصله‌ش سر نمی‌رفت و معمولاً خوشحال و سر حال بود. یه روز مامان سارا، یه کار جالب کرد. چند تیکه کاغذ سفید بزرگ رو با پونز به دیوار اتاق سارا چسبوند و چند تا دونه مدادشمعی رنگی‌رنگی به سارا داد تا دخترک، روی کاغذ نصب شده روی دیوار، نقاشی‌های بزرگ بارنگ‌های شاد بکشه. سارا، ذوق زده و خوشحال دست به کار شد. اون روز سارا یه دریای بزرگ آبی کشید با کلی ماهی ریز و درشت و حلزون و خرچنگ و صدف و عروس دریایی. مادر سارا با تعجب و هیجان گفت: «دیوار اتاق، شبیه یک آکواریوم بزرگ شده»، شما هم نقاشی کشیدن رو دوست دارید؟ مراقب دفتر نقاشی و نقاشی‌هاتون هستید؟ از بزرگ ترها بخواید براتون کاغذهای بزرگ روی دیوار بچسبونند تا لذتِ نقاشی روی دیوار رو تجربه کنید.

کار دستی

گلای سه‌بعدی!

امروز قراره باهم، ساختِ یک گلایِ مقوایی رو یاد بگیریم که به شکل ایستاده، روی میز و گوشه کتابخونه قرار می‌گیره. یک کار دستی که می‌تونید با الگوی میوه‌های دیگه هم تکرارش کنید. وسایل لازم: سه ورق مقوای زردرنگ، دو ورق مقوای سبزرنگ، یک عددنی پلاستیکی سبز، چسب مایع، قیچی ۱. مثل شکل، هر مقوای زرد رو به شکل طولی، از وسط تا می‌زنیم. ۲. نصف الگوی گلای قشنگمون رو روی یک طرف تا، طراحی می‌کنیم. ۳. الگو رو قیچی می‌کنیم و همین کار رو روی دو مقوای دیگه هم تکرار می‌کنیم. ۴. مثل شکل، ابتدا طرف چپ یک گلای رو به سمت راست یکی دیگه چسب می‌زنیم. ۵. در مرحله بعد، نی رو وسط کار می‌چسبونیم و در نهایت، هر دو طرف سومین گلای رو به کار می‌چسبونیم و برای گلای، برگ و چشم و دهان می‌ذاریم. گلایِ قشنگمون شکل می‌گیره و لبخند می‌زنه.



اجرا: ویکتوریا اعظم - عکاس: صادق ذباح

آثار برگزیدگان و برندگان

مسابقه نقاشی خراسان

ویژه ماه مبارک رمضان

دوستان قشنگم! موسسه فرهنگی هنری خراسان، در طول ایام ماه مبارک رمضان، برای کودکان کارکنان و مخاطبان روزنامه، یک مسابقه نقاشی با موضوع ماه رمضان برگزار کرد و نقاشی‌های زیادی به دستمون رسید. این‌ها، تعدادی از آثار برگزیده هستند. سه برنده این مسابقه هم مشخص شدند که نقاشی‌هاشون رو می‌بینید. با برنده‌ها برای واریز جایزه نقدی شون، تماس گرفته می‌شه. مبارک‌تون باشه.

مهسا قاسمی | ۹ ساله



علی نیساری | ۸ ساله



طهوراسادات حسینی | ۵ ساله



مینا متولی اشکذری | ۶ ساله



سیدمحمدطاهاحسینی | ۶ ساله



سیدامیر ملک‌زاده | ۶ ساله



رثوف ترابی | ۹ ساله



سارا عنایتی | ۷ ساله



سمانه ترکانلو | ۱۰ ساله



این من هستم، به دنیای من خوش آمدید

- سلام. من «آرشیدا» هستم و پنج سال دارم. آرشیدا یعنی «بانوی درخشان و آراسته».
- من قبل از شروع تابستون و تعطیل شدن مدرسه‌ها، پیش دبستانی می‌رفتم و معلم رو خیلی دوست داشتم.
- من مهمونی خیلی دوست دارم. به خصوص وقتی خونه مامان بزرگ‌ها و بابابزرگ‌های مهربونم میریم.
- من عاشق میوه‌ها و خوراکی‌های خوشمزه مثل توت‌فرنگی، آناناس، آب میوه‌های خونگی و پاستیل هستم. غذای مورد علاقه‌م هم کباب و ماکارونی.
- از بین تمام اسباب‌بازی‌ها، وسایل کوچولوی آشپزخونه رو خیلی دوست دارم؛ چون می‌تونم توی خیالم برای مامان و بابا آشپزی کنم و نوش جان کنند. توی بازی‌ها هم قايم موشک رو دوست دارم.
- من عاشق رنگ زردم، عاشق گل آفتابگردونم و شخصیت کارتون‌ی مورد علاقه‌م، پاندای کونگ‌فوکاره!
- من دوست دارم وقتی بزرگ شدم، پزشک بشم و دکترهایی که وقتی بچه بودم، منو درمان می‌کردند رو توی پیری، مداوا کنم.

بچه‌ها! شما هم از خودتون، علاقه‌ها و آرزوهاتون، اخلاق و رفتار و روزهاتون بنویسید و برای ما بفرستید تا بقیه، با شما آشنا بشن.



شعر

سفر به ماه

دلم می‌خواد سفر کنم
یه شب بشینم روی ماه
از اون بالا من ببینم
کوه شده اندازه‌ی کاه
جنگل و دریا و کویر
بشن یه تکه از پازل
از روی ماه من ببینم
زمین یواش می‌خوره قیل
فکر می‌کنم از روی ماه
زمین توپ قلقیه
یه توپ زرد و آبی که
روش چیزای فسقلیه

شاعر: عفت زینلی

